

۸۷/۱۱/۰۸

نویسنده: دکتر پدram سلطانی

آقای دکتر بهمنی رییس محترم بانک مرکزی هفته گذشته برای دومین بار اظهار داشتند که عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت شانس و فرصتی برای ایران بوده است که از بحران اقتصادی کنونی دنیا کمتر آسیب ببیند.

بار اول حدود یکماه پیش که ایشان این عقیده را ابراز نمودند بنده تامل نمودم که شاید این خبر از جانب ایشان تصحیح گردد و چون نشد گمان کردم که این خبر از چشم ایشان پنهان مانده است. اما اکنون که برای دومین بار این مطلب به نقل از ایشان منتشر گردیده است دیگر درنگ را در پاسخ به این نظر جایز ندانستم.

حکایت اقتصاد ما حکایت کسی است که از شهر گریزان شده بود و به جنگل پناه برده بود و در تنهایی می زیست. وقتی او را یافتند و پرسش نمودند که چرا از جمع گریزان شده است و گوشه تنهایی گزیده است پاسخ داد که: «از آن بیم دارم که بیماری به جان این جمع افتد و همه گیر شود و مرا هم به خود گرفتار کند!» این فرد از احتمالی نامعلوم در آینده ای نامعلوم نگران بود و برای آن حاضر شده بود دست از همه مواهب همزیستی در اجتماع بشوید، از همکاری، همفکری و همنشینی و تمام «هم»های دیگر، تا مبادا روزی بیمار شود و این بیماری می توانست سرماخوردگی ساده ای باشد که آن جمع چند روزی به آن گرفتار می گشت و پس از آن با توشه کردن آموخته هایی که از این بیماری بدست آورده بود به زندگی اجتماعی پر برکت خود ادامه می داد و دوباره به زندگی اجتماعی و پیشرفت و ترقی آن دل می داد.

کشورما در زمره پیشگامان پیوستن به توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت که سازمان جهانی تجارت متولد از آنست، بود. متأسفانه این تفکر که هر چه بوی جهانی شدن بدهد منفور است. باور غالب بسیاری از مسوولان قدیم و جدید ما بود و هست و این تفکر باعث شد تا در سال ۱۹۹۵ هنگامی که سازمان جهانی تجارت در شرف تاسیس بود ما که حق آب و گل در پیوستن به این سازمان داشتیم دعوت مکرر مسوولین آن سازمان را نادیده بگیریم و پس از آن برخی دانستند که چه غفلتی مرتکب شده بودند و سعی در جبران آن نمودند، اما دیگر کار از کار گذشته بود و نتیجه این شد که کشور ما ده بار متوالی در خواست پذیرش عضویت به سازمان جهانی تجارت داد و پذیرفته نشد تا اینکه در اواخر کار دولت قبل این درخواست مورد قبول واقع گردید و ما به عضویت ناظر آن سازمان درآمدیم، اما از آن زمان تا امروز اولین قدمی هم که برای پیوستن به این سازمان می بایست برداشته می شد، نشد و آن چیزی نبود جز تقدیم رژیم تجاری کشور (گزارش وضع موجود)، که آنهم آماده ارائه بود، اما پس از گذشت ۳ سال و نیم هنوز در کشوی مدیران خاک می خورد.

نگارنده در ابتدا لازم می داند که از آقای دکتر بهمنی برای ابراز عقیده واقعی خود سپاسگزاری نماید، چرا که حداقل یکی از مدیران ارشد موجود فکر و عقیده خود را در این خصوص بیان نمود و مخالفت خود را پنهان ننمود. تا به امروز آنچه را که ما شاهد بوده ایم ابراز موافقت در ظاهر و مخالفت و کارشکنی در پس پرده بوده است. اما آقای دکتر بهمنی! اگر ما امروز عضو سازمان جهانی تجارت بودیم به راحتی هر کشوری سر خود نمی توانست ما را تحریم کند و اینچنین بر بانک های ما، تجارت خارجی ما و سرمایه گذاری خارجی در کشور ما اثر منفی بگذارد. اگر ما عضو سازمان جهانی تجارت بودیم

امروز با پرداخت چند هزار میلیارد تومان وام به بنگاه های زود بازده کمبود منابع بانکی گریبان بخش خصوصی و پروژه های بزرگ کشور را نمی گرفت. اگر عضو سازمان جهانی تجارت بودیم تورم و بیکاری در کشورمان با دنیا پیوند می خورد و در حالی که اکثر کشورها تورم منفی پیدا کرده اند، ما با تورم ۲۵ درصدی مواجه نمی شدیم و کاهش نیم درصدی تورم را به حساب دستاورد نمی نوشتیم. اگر ما امروز عضو سازمان جهانی تجارت بوده ایم سرمایه های گریزان از کشورهای دچار بحران - که همه مسوولان از آن به عنوان فرصت یاد می کنند - اکنون به سهولت بیشتری به کشور ما سرازیر می شد و ما کماکان در ته جدول سرمایه گذاری خارجی قرار نداشتیم. اگر ما عضو سازمان جهانی تجارت بودیم اکنون دولت و شهروند از اینکه قیمت ها در دنیا نصف و یک سوم شده اما در کشور ما کاهش جزئی داشته، یا عموماً آن را هم نداشته، ناراضی نبودند و شما هم به عنوان رییس بانک مرکزی از کاهش بیشتر قیمت ها بهره مند می شدید. از این «اگر»ها بسیار است اما آیا یکی از آنها برای دست برداشتن از این تفکر ناصواب کافی نیست؟ اکنون که قریب به ۹۸/۵ درصد از اقتصاد دنیا به سازمان جهانی تجارت پیوسته است مگر ما راه دیگری هم به غیر از پیوستن به این سازمان داریم؟ آیا هنوز می خواهیم به جنگل پناه ببریم و از جمع بگریزیم و از اینکه دنیا به ورطه بحران اقتصادی افتاده است خوشحال باشیم؟ خوشحال از اینکه دیگران سرما خوردند و ما نه؟ آقای دکتر! ما فرزندان این مرز و بومیم، مرز و بومی که ۷ قرن پیش در آن می خواندند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به در آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

و ما هم عضوی از این جامعه جهانی هستیم. اگر اقتصاد دنیا امروز بیمار شده است، خرسندی از اینکه این بیماری ما را درگیر خود نکرده است - که کرده است- بی فایده است. اما روزی که این بیماری به پایان برسد کشورهای دنیا دوباره به زندگی اجتماعی خود ادامه می دهند و از این هم نشینی بیش از پیش بهره مند می شوند، اما ما هنوز جزو ۱/۵ درصد گوشه نشین باقی خواهیم ماند و باید فکر خود را به این مشغول نماییم که کی این جمع دوباره بیمار می شوند تا ما لبخند پیروزمندانه ای نصیب ایشان نماییم! همه بدانیم که پیوستن به اقتصاد جهانی هیچگاه برای کشور ما فرصت نبوده است. اگر در شرایط بحران کنونی بخواهیم فرصتی را برای خود متصور شویم آن فرصت چیزی نیست جز تسریع در پیوستن به سازمان جهانی تجارت، زیرا اکنون اقتصاد دنیا بیش از هر زمانی پذیرای ما خواهد بود و مذاکرات ما با کشورهای عضو در شرایط بحران آسان تر و سریع تر پیش خواهد رفت. این آخرین فرصت را غنیمت بشمریم.

□